

گانتس: معامله قرن را با تمام جزئیات اجرا می کنیم



وزیر جنگ رژیم صهیونیستی گفت: در سایه کرونا اسرائیل در مرحله سختی به سر می برد و تمام توان خود را برای اجرای معامله قرن می گذارد. به گزارش ایسنا، به نوشته روزنامه فرانطقه ای رای الیوم، بنی گانتس، وزیر جنگ جدید رژیم صهیونیستی متعهد به تلاش برای حمایت از اجرای طرح به اصطلاح صلح آمریکا موسوم به «معامله قرن» شد. وی در اولین اظهارات خود پس از مراسم انتصابش در پست وزیر جنگ رژیم صهیونیستی مدعی شد: من قول می دهم هر آنچه در توان دارم و از دستم برمی آید برای پیشبرد حل و فصل سیاسی و برقراری صلح انجام دهم. گانتس افزود: ما برای پیشبرد طرح صلح دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا تلاش خواهیم کرد. وزیر جنگ جدید رژیم صهیونیستی گفت: صلح رویای الهام بخش صهیونیسم بوده و همچنان هست. گانتس همچنین اضافه کرد اسرائیل در سایه بحران کرونا دوره سختی را می گذارند و این روزها در سایه بی اعتمادی در موسسات دولتی یکی از دلایل تشکیل دولت کنونی احساس احتمال تلاش برای جنگ داخلی است. این جنگ های داخلی را نمی خواهیم و باید مانع آنها شویم. در ۲۸ ژانویه رئیس جمهوری آمریکا از طرح معامله قرن رونمایی کرد که با مخالفت تشکیلات خودگردان فلسطین و تمامی گروه های مقاومت رو به رو شد. نفتالی بنت، وزیر جنگ قبلی رژیم صهیونیستی در مراسم تودیع و معارفه بنی گانتس گفت: تلاش در سوریه باید تکمیل شود و این در دست بررسی است و ایرانی های می خواهند حلقه آتش در اطراف ما ایجاد کنند. بنت افزود: ارتش اسرائیل و موسسه امنیتی کرنا را شکست دادند و ارتش و سیستم های امنیتی بیش از دو سوم تلاش خود را روی مقابله با کرنا گذاشتند. نخست وزیر کشیک رژیم صهیونیستی و وزیر جنگ این رژیم همچنین به خانواده های نظامیان اسیر اسرائیلی در غزه قول داد که آن ها را بازگرداند. به گزارش مرکز اطلاع رسانی فلسطین، شبکه هفت تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد که بنی گانتس در دیدار با خانواده های نظامیان اسیر اسرائیلی (هدار گولدن، ارون شانول، افیرام منگستو و هشام السید) متعهد شده که حتماً آن ها را به خانه هایشان بازگرداند. گانتس گفته که نباید فرصت را از دست داد و دولت جدید باید به وظیفه خود در قبال آنان عمل کند. این اولین دیدار گانتس پس از انتصاب به عنوان وزیر جنگ با خانواده های نظامیان اسیر اسرائیلی است. گانتس در زمان جنگ ۵۱ روزه که ارون شانول و هدار گولدن به اسارت گرفته شدند، رئیس ستاد مشترک ارتش بود.

گزارش «توسعه ایرانی» از دلایل وقوع شورش در امارات متحده عربی

بحران زاید



فرشاد گلزاری

رقابت میان کشورهای حاشیه خلیج فارس موضوعی است که از سالیان گذشته وجود داشته و حالا هم وارد فاز جدید خود شده است. طی یک دهه اخیر این چشم و هم چشمی بیش از سایر ادوار گذشته رخ عیان کرده؛ به گونه ای که هر روز شاهد تقابل یا اتخاذ سیاست های متعدد از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس علیه یکدیگر هستیم. نمونه علنی و آشکار این امر را می توان در یک موضوع بسیار پیش پا افتاده و البته مهم، مشاهده کرد: زمانی که امارات متحده عربی با جذب نخبگان خارجی قصد داشت تا مسیر توسعه اقتصادی را به سرعت پیماید، شاهد هستیم که برج های سر به فلک کشیده در دبی و سپس در ابوظبی، یکی پس از دیگری افتتاح و تصاویر آنها در کسری از ثانیه در تمام دنیا پخش می شوند. کمی آنطرف تر، عربستان سعودی نظاره گر این پیشرفت و خیز بلند امارات در ابعاد اقتصادی بود و کمی بعد شاهد بودیم

که سعودی ها هم دست به ساخت و ساز های عظیم الجثه زدند و در آنجا ایالات متحده و اروپایی ها به خوبی فهمیدند که می توانند از رقابت میان امارات و عربستان، پول های هنگفتی به دست بیاورند. کمی بعد قطر هم به دایره این رقابت و تقابل پیوست. اگر چه دوحه هم دست به ساخت و سازها و توسعه اقتصادی زد و به دنبال پیشی گرفتن از دورقیب خود (عربستان و امارات) بود ولی آنچه قطر را نسبت به دو کشور رقیبش متمایز می کرد، برج ها و آسمان خراش های آن نبود، بلکه قطر توسط «الجزیره» از آنها پیشی گرفت. بدون شک موسسه الجزیره و زیرمجموعه های آن یکی از اهرم هایی بود که دوحه توانست تا حد زیادی که امارات متحده عربی با جذب نخبگان خارجی قصد داشت تا مسیر توسعه اقتصادی را به سرعت پیماید، شاهد هستیم که برج های سر به فلک کشیده در دبی و سپس در ابوظبی، یکی پس از دیگری افتتاح و تصاویر آنها در کسری از ثانیه در تمام دنیا پخش می شوند. کمی آنطرف تر، عربستان سعودی نظاره گر این پیشرفت و خیز بلند امارات در ابعاد اقتصادی بود و کمی بعد شاهد بودیم

روابط دیپلماتیک خود با جهان غرب بود. آنها از این مسیر می خواستند به همسایگان خود بفهمانند که امارات به مرکزیت تجاری دبی و ابوظبی به عنوان قطب سیاسی این کشور شاهد تغییر و تحول های شگرف است. به همین دلیل در آن زمان محمد بن زاید (حاکم دوفاکتوی ابوظبی) مسیری را مشخص کرد که بخشی از آن تربیت نخبگان سیاسی بود. مهرهای نزدیک به او سر یغاً به سوی آمریکا و بریتانیا و حتی روسیه گسیل شدند تا علم سیاست و دیپلماسی نوین در قرن بیست و یکم رافرا بگیرند. به موازات آن تیم دیگری برای مقابله با قطر و هدایت افکار عمومی به نفع امارات، مأمور فرا گرفتن علم رسانه شدند. تمام این فعل و انفعالات توسط سعودی هادر حال رصد شدن بود. طبیعی است که آنها هم خواهان چنین تغییر و تحولی بودند و به همین دلیل بود که ریاض هم پول های انباشته شده در صندوق های اعتباری و همچنین نفت خود را به عربستان بیشتر و بالاترین خریدهای تسلیحاتی دنیا را به نام خود ثبت کرد

بانباشت بحران ها که جدید ترین آن بحران کرنا است و باعث توقف فعالیت های مختلف تجاری شده است، ر کود اقتصادی امارات به سطح بی سابقه ای افزایش یافته است

و بسیاری از تحلیلگران اعلام کردند که خاورمیانه به انبار سلاح و موشک تبدیل شده است؛ چرا که امارات هم در این میان به خریدار اصلی تسلیحات اروپا و آمریکا تبدیل شد. این مولفه هادر بحران سوریه هم اتفاق افتاده به گونه ای که عربستان، امارات، قطر و حتی کویت برای حمایت از گروه های تروریستی فعال در سوریه و سپس در عراق از هیچ کمکی دریغ نکردند اما قطر چندی بعد پای خود را از این معادلات بیرون گذاشت و ریاض و ابوظبی میدان دار به هم ریختگی در سوریه و عراق شدند.

یمن: سقوط اقتصاد امارات طی پنج سال

بعد از آنکه اوضاع در سوریه و عراق

به سمت و سوی دیگر رفت، یک اتفاق مهم رخ داد و آن هم تغییر ساختار قدرت در عربستان بعد از فوت ملک عبدالله بود. به قدرت رسیدن ملک سلمان و فرزندش (محمد بن سلمان) یکی از تحولاتی است که باعث شد امارات بیش از حد هزینه های خود را افزایش دهد. دلیل این امر، همراهی محمد بن زاید با ولیعهد جوان عربستان سعودی بود که سر آغاز این همکاری را باید پرونده یمن و بحران آن که از پنج سال پیش تا کنون ادامه دارد دانست. واقعیت این است که اماراتی ها از همان روز اول که وارد معادلات و تنازعات یمن شدند چشمشان به جنوب یمن و بندهای این کشور بود. ابوظبی می دانست که اگر قرار است نیروهای نظامی خود را از اقصی نقاط خاک امارات به یمن بفرستند، باید تکه بزرگ کیک یمن را برای خود نگه دارد و این به معنای تامین منافع اقتصادی، نظامی و سیاسی امارات در جنوب یمن است. البته که این همراهی هزینه های زیادی را برای امارات به بار آورد، اما مساله از آنجایی خطرناک و مهم می شود که بحران اقتصادی پدید می آید و آثار آن بر جامعه امارات کاملاً نمایان می شود. اواخر سال ۱۳۹۳ گزارشی از اعتراض هادر امارات منتشر شد که توجه بسیاری را به خود جلب کرد. در آن زمان شبکه العربیه و الجزیره اعلام کردند که صدها تن از کارگران مهاجر ساکن دبی در اعتراض به وضعیت دستمزدهایشان در مقابل مرکز خرید دبی مال تظاهرات کردند و خواستار بر خورداری از پرداخت های بیشتر شدند. طبیعی بود که امارات با این اعتراض ها از در خوش رویی و سازش وارد نشد بلکه پلیس در کمتر از یک ساعت بخشی از آنها را بازداشت کرد و مابقی امارات به سطح بی سابقه ای و باتوم متفرق کرد.

در آن دوران هیچکس فکرش را نمی کرد که امارات چندی بعد با مشکل اقتصادی و مالی روبرو شود اما این تحلیل به واقعیت پیوست؛ به صورتی که روز گذشته (سه شنبه) روزنامه القدس العربی چاپ لندن از بازداشت ده ها نفر در پایتخت امارات خبر داد. القدس العربی نوشت، فیلم هایی در فضای مجازی منتشر شده و نشان

تمام شرکت های خارجی مستقر در دبی فعالیت خود را به حالت تعلیق در آورده اند و گردشگری هم از همه جهات تعطیل شده است. تمام این مولفه ها به راحتی می تواند امارات را درگیر اعتراضات، تحسین ها و خیزش های اقشار فقیر کند و باعث شود «بحران برای بن زاید» سمت و سوی دیگری بگیرد

می دهد منطقه «مصفا» در شهرک صنعتی ابوظبی شاهد اعتراضات بوده است. دقایقی بعد القدس العربی به نقل از شبکه های اجتماعی نوشت که برخی از این اعتراضات شرکت موسوم به «سواعد» را هدف قرار داده بودند. شاید خبر مذکور برای بسیاری از تحلیلگران داخلی اهمیت سیاسی داشته باشد اما واقعیت این است که زبربنای این خبر و اتفاق مذکور کاملاً اقتصادی است که البته گوریشه آن در سیاست نهادینه شده است.

اینکه در یک شهرک صنعتی آن هم کمی آنطرف تر از دفتر کار محمد بن زاید چنین اتفاقی می افتد نشان دهنده آن است که کارگران در امارات به پا خواسته اند. توجه داشته باشید که ولخرجی های امارات یکی از عوامل اصلی بحران اقتصادی فعلی این کشور است؛ اما مهم تر از آن این است که شیوع کرنا هم بر این دردورنج خانواده بن زاید افزوده است. باید بگوییم که بانباشت بحران ها که جدیدترین آن بحران کرنا است و باعث توقف فعالیت های مختلف تجاری شده است، ر کود اقتصادی امارات به سطح بی سابقه ای افزایش یافته است. از سوی دیگر تمام شرکت های خارجی مستقر در دبی هم فعالیت خود را به حالت تعلیق در آورده اند و گردشگری در این کشور هم از همه جهات تعطیل شده است. تمام این مولفه ها به راحتی می تواند امارات را درگیر اعتراضات، تحسین ها و خیزش های اقشار فقیر کند که باعث می شود «بحران برای بن زاید» سمت و سوی دیگری بگیرد.

اف.بی.آی: افسر عربستانی با القاعده در ارتباط بود!



مقام های آمریکایی می گویند یک دانشجوی نظامی عربستان سعودی که پاییز گذشته در یک پایگاه نظامی آمریکا در فلوریدا دست به کشتار زده بود، با گروه القاعده ارتباط داشته است. بی.بی.سی گزارش داد، بنابر اعلام پلیس فدرال آمریکا و وزارت دادگستری این کشور، بررسی اطلاعات دو گوشی تلفن همراه ستوان دوم محمد سعید شمران بیانگر ارتباط او با گروه القاعده در شبه جزیره عربستان است. این حمله مسلحانه که در ششم دسامبر (پانزدهم آذر سال گذشته) در پنساکولادر ایالت فلوریدا رخ داد، به مرگ سه نظامی و جراحت هشت نفر دیگر منجر شد. ویلیام بار، وزیر دادگستری آمریکا و کریستوفر ری، رئیس پلیس فدرال آمریکا می گویند اطلاعات به دست آمده از دو گوشی تلفن همراه شمران نشان داده که او به طور مرتب با گروه القاعده در شبه جزیره عربستان در ارتباط بوده است. به گفته وی، این اطلاعات نشان می دهند که او به طور مرتب با القاعده در تماس بوده و طرح ها و برنامه هایش را در اختیار آنها می گذاشته است. او حتی تصاویر ویدیویی محل آموزش خود را برای آنها فرستاده بود. ری همچنین گفت اطلاعات به دست آمده به عملیات ضد تروریستی آمریکا در یمن کمک کرده است.

در سایه تداوم التهاب در عراق؛

الکاظمی: بر اساس قانون، مردم حق دارند تظاهرات کنند



نخست وزیر عراق در پیامی به شورای عالی قضایی تأکید کرد که بر اساس قانون اساسی مردم حق دارند تظاهرات مسالمت آمیز برگزار کنند. به گزارش شفق نیوز، مصطفی الکاظمی، در صفحه رسمی خود در توئیتر نوشت: من از شورای عالی قضایی تشکر می کنم که درخواست ما را برای آزادی و کلای از شهر الديوایه و تعدادی از تظاهرکنندگان اجابت کرد. وی افزود: من بار دیگر تأکید می کنم که حق تظاهرات مسالمت آمیز در قانون اساسی تضمین شده است و نیروهای امنیتی و تظاهرکنندگان باید مواظب اموال دولتی و خصوصی باشند. الکاظمی یکشنبه به وزارت کشور دستور داد تمام امکانات این وزارتخانه را برای کشف سرنوشته رپوده شدگان به کارگیرد. الکاظمی بر لزوم برخورد با اعتراضات بر اساس احترام به قوانین و ارزش های حقوق بشر تأکید کرد و گفت: افسری که به وظیفه خودش عمل می کند

شمار مبتلایان به کرنا در آمریکا از مرز ۱.۵ میلیون نفر عبور کرد

طبق جدیدترین آمار و ارقام دانشگاه «جانز هاپکینز»، با ابتلای ۲۱ هزار و ۸۴۱ مورد جدید به ویروس کرنا، مجموع مبتلایان به این ویروس ناشناخته در آمریکا از مرز یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر عبور کرد. به گزارش رویترز، دانشگاه «جانز هاپکینز» روز گذشته (سه شنبه) اعلام کرد که ظرف ۲۴ ساعت گذشته با مثبت شدن نتیجه آزمایش ۲۱ هزار و ۸۴۱ مورد جدید، مجموع مبتلایان به ویروس کرنا در ایالات متحده آمریکا به یک میلیون و ۵۰۸ هزار و ۵۹۸ نفر رسید. طبق این آمار و ارقام، در بازه زمانی مذکور، ۷۹۱ ویروس ناشناخته در این کشور به ۹۰ هزار و ۳۵۳ نفر برسد. مقایسه آمار و ارقام جدید دانشگاه جانز هاپکینز نشان می دهد که تعداد مبتلایان به کرنا در ایالات متحده آمریکا افزایش داشته است.



خبر

منابع روسی خبر دادند؛

نخست وزیر روسیه پس از بهبود از کرنا به کار بازگشت



میخائیل میشوستین، نخست وزیر روسیه که به کرنا مبتلا شده بود با مرخصی از بیمارستان و بهبود کامل به سر کار خود بازگشت. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، سخنگوی میشوستین گفت که نخست وزیر کار خود را در دفتر نخست وزیر از آغاز کرده است. وی از طریق ویدئو کنفرانس به کارها رسیدگی می کند. در دورانی که میشوستین به دلیل ابتلا به ویروس کرنا در بیمارستانی در مسکو بستری بود، معاون او به عنوان کفیل نخست وزیری دولت را اداره می کرد. میشوستین در حالی به کار بازگشت که پوتین در حکمی ابطل حکم نخست وزیری موقت بلوسوف را امضا کرده بود. در ۳۰ آوریل میخائیل میشوستین، نخست وزیر روسیه به ولادیمیر پوتین اطلاع داد که به کووید-۱۹ مبتلا شده است و از او خواست تا آندری بلوسوف، معاون خودش را به

ماکرون اکثریت حزبی را در پارلمان فرانسه از دست داد

باخارج شدن حدود ۱۰ نفر از نمایندگان حزب چپگرای ریپوبلیک مارش فرانسه، امانوئل ماکرون رئیس جمهور این کشور اکثریت پارلمانی را از دست داده است. به گزارش تایمز، نمایندگان مذکور اعلام کرده اند که ماکرون وعده ها و قول های داده شده از سوی دولت میانه روی فرانسه را عملی نکرده است. خروج این نمایندگان از حزب ریپوبلیک تاثیر چندانی بر روند قانونگذاری در پارلمان فرانسه نخواهد داشت چرا که این حزب می تواند روی سایر احزاب کوچک متحد خود حساب کند ولی این مساله یک چالش برای ماکرون خواهد بود که به شدت محبوبیت خود را از دست داده است. این ۱۰ نماینده قصد دارند به یک گروه مستقل ۲۰ نفری شامل سوسیالیست ها، سبزها و برخی از نمایندگان جدا شده از حزب ماکرون ملحق شوند. با خروج این نمایندگان، حزب مارش از این پس ۲۸۹ کرسی را برای کسب اکثریت مطلق در پارلمان از دست می دهد.

